

ارائه مدل پارادایمی فقر و تبیین جامعه‌شناختی آن در مناطق محروم استان خوزستان (مورد مطالعه: شهرهای حمیدیه و اندیکا)

معصومه باقری^۱، علی بوداچی^۲، سجاد بهمنی^۳، مرضیه شهریاری^۴

چکیده

این مطالعه کیفی، با هدف ارائه مدل پارادایمی فقر و تبیین جامعه‌شناختی آن در شهرهای محروم اندیکا و حمیدیه در استان خوزستان به انجام رسیده است. روش مورد استفاده در این پژوهش، نظریه داده‌بنیاد است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده و تعداد مشارکت‌کنندگان ۴۰ نفر بوده است. بعد از کدگذاری، نوزده مقوله اصلی پدیدار شد. پارادایم ظهوریافته، در بعد شرایط شامل (چالش تأمین اعتبار از طریق جذب اعتبارات بخش دولتی و خصوصی، ضعف فرهنگ کار و مهارت‌آموزی در میان جوانان) ساختمان ذهنی دولت‌گرا، بی‌توجهی به شایسته‌سالاری در مدیریت شهرستان، عدم حمایت ویژه از مناطق محروم استان، عدم خودباوری جوانان در نتیجه محرومیت (پذیرش روانی فرهنگ فقر)، توزیع ناعادلانه فرصت‌ها در نتیجه وجود فساد اداری، نارضایتی از میزان حمایت دولت و مشکل نقدینگی در راه‌اندازی بنگاه‌های کوچک، خانگی و زودبازده، ضعف سرمایه اجتماعی جوانان در مناطق شهری) و در بعد کنش - تعامل (کلید اشتغال؛ مهارت‌آموزی همراه با نگاه کارآفرینی،

۱-دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

۲-استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

۳-استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسؤول)

۴-استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۱۸

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸

ایجاد و تقویت شهرک‌های صنعتی، تخصیص اعتبارات ملی و ویژه، شایسته‌سالاری و انتخاب مدیران متخصص، جهادی و اثربخش، ظرفیت‌های اجتماع‌محور، پشتوانه رفع فقر) و در بعد پیامدها (نزاع‌ها و تنش‌های طایفه‌ای و قومی به عنوان عامل تشدید چرخه فقر، بی‌قدرتی و بیگانگی اجتماعی، کاهش کیفیت سبک کالای مصرفی خانوارها و تورم غذایی) فرسایش شاخص قدرت خرید مردم، احساس یأس اجتماعی، فرسایش اعتماد اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی) است که حول یک مقوله هسته به نام «فقر شهری در پیوند با محرومیت از فرصت‌ها در روستا و حاشیه‌ها» شکل گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی

فقر شهری، روش نظریه داده‌بنیاد، شهرهای اندیکا و حمیدیه

مقدمه و طرح مسأله

شهرنشینی و تمایل افراد به سکونت در محیط‌های شهری از پدیده‌های مهمی است که در دهه‌های اخیر در کشورهای مختلف جهان روند افزایشی را به ثبت رسانده است، به همین رو دو فرایند افزایش پیوسته جمعیت و گرایش مستمر این جمعیت به شهرنشینی در همه مناطق جهان به شکلی فراگیر و به وضوح قابل مشاهده است. بر مبنای گزارش جهانی شهر^۱ (۲۰۱۶: ۲۱) طی صد سال اخیر، برای اولین بار در تاریخ بشر، جمعیت شهرها از نواحی خارج از آن بیشتر شده و نرخ رشد سالانه آن از ۵۷ میلیون نفر در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ به ۷۷ میلیون نفر در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ رسیده است. به موازات افزایش جمعیت شهری جهان، فقر شهری نیز رشد کرده است؛ یکی از مهم‌ترین چالش‌های شهرهای قرن بیست و یکم، تمرکز فقر در آنهاست (Simler et al, 2003: 1). ارزیابی کلی مناطق فقرنشین از منظر برنامه اسکان بشر سازمان ملل نشان می‌دهد حدود ۲۵ درصد از جمعیت جهان تا سال ۲۰۲۵ از فقر شهری رنج می‌برند (هیتات، ۲۰۱۶).

رشد روزافزون جمعیت و همزاد آن مهاجرت گسترده به شهرها، به توسعه کالبدی و

فضایی شهرها و بلعیده شدن نواحی اطراف، خلق سکونت‌گاه‌های جدید، کاهش سطح رفاه انسانی (ارتگا، ۲۰۱۱: ۲)، و گسترش فقر و حومه‌نشینی منجر شده است؛

به همین دلیل یکی از اولویت‌های دهه‌های اخیر در مسیر برنامه‌ریزی توسعه در این کشورها، فقرزدایی است. گام نخست در فرایند برنامه‌ریزی مبارزه با فقر شهری و کاهش نابرابری فضایی، کسب شناخت صحیح و آگاهی از ابعاد فقر در مناطق مختلف شهر است. اندازه‌گیری و شناخت فقر از دو جنبه بررسی چگونگی تغییرات شدت فقر در زمان‌ها و مکان‌های مختلف و به خصوص موضوع مهم اخیر یعنی شناخت افراد فقیر برای هدف‌مندی دقیق انواع کمک‌ها و یارانه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است؛ بدین ترتیب با توجه به محدودیت‌های مالی دولت، ضرورت دارد شرایط وقوع فقر، زمینه و بستر آن و اثرات و پیامدهایش بر سیما و کالبد شهر و ساکنان محلات و مناطق شهری به درستی مورد شناسایی قرار گیرند. این موضوع در استان خوزستان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا موضوع فقر شهری و بی‌عدالتی فضایی در استان خوزستان، متأثر از استقرار صنایع مختلف نفت و گاز و همچنین ظرفیت‌های قابل توجه کشاورزی و همچنین حضور گروه‌های قومی مختلف، فراتر از یک موضوع اقتصادی و در قامت یک مسأله پیچیده اجتماعی - اقتصادی نمایان شده است به همین دلیل، آگاهی از وضعیت فقر در استان و به‌ویژه مناطق محروم استان، می‌تواند زمینه‌ساز سیاستگذاری دقیق برای فقرزدایی و در نهایت نیل به توسعه متوازن باشد؛ بنابراین با توجه به اهمیتی که شناخت صحیح ابعاد فقر بر کیفیت برنامه‌های فقرزدایی و تدوین سیاست مناسب دارد، لازم است یک مدل پارادایمی بر مبنای روش کیفی از فقر احصا شود. کشف و حصول چنین مدلی، امکان سیاستگذاری مبتنی بر دید جامع را مهیا می‌کند؛ زیرا اجزای مختلف این مدل، هریک دریچه‌ای به روی فقرند و از سوی دیگر مکمل سایر مطالعات پیشین در این زمینه در استانند؛ زیرا اغلب این مطالعات اگرچه با رویکرد تأکید بر ریشه‌کنی فقر و تأمین رفاه تدوین شده اما عمدتاً بر برآورد خط فقر و یا شاخص‌های فقر متمرکز بوده‌اند

و رویکرد پارادایمی به فقر در این پژوهش‌ها مغفول مانده است. با توجه به این موارد، احصای مدل مذکور، در استان خوزستان اهمیت ویژه‌ای می‌یابد زیرا یکی از چالش‌های کنونی فرا روی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در استان، عدم تعادل و توازن در میزان توسعه پایدار شهرستان‌های مختلف استان و وجود فقر شهری است. با در نظر داشتن موارد مذکور، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد تفسیرگرایانه و با هدف احصای مدل پارادایمی فقر در شهرستان‌های حمیدیه و اندیکا در استان خوزستان به انجام رسید. سؤالات اصلی پژوهش به شرح زیر است: (۱) ذی‌نفعان پدیدۀ فقر در محروم‌ترین شهرستان‌های استان خوزستان، آن را چگونه تفسیر می‌کنند و این تفسیر حول چه مفاهیمی شکل می‌گیرد؟ (۲) شرایط علی مؤثر بر شکل‌گیری این تجربه کدامند؟ (۳) کنشگران ساکن در این مناطق و سایر ذی‌نفعان در درمورد پدیدۀ فقر چه استراتژی‌هایی را برمی‌گزینند؟ (۴) پیامدهای این شرایط و کنش - تعامل‌ها چه مواردی‌اند؟.

چارچوب مفهومی

در روش نظریه داده‌بنیاد، چارچوب مفهومی، مجموعه مفاهیم مرتبطی را شامل می‌شود که بر مفاهیم عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آن‌ها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد (پاتن^۱، ۲۰۰۱)؛ با این وجود در رویکرد کیفی، توصیه بر این است که نظریه‌ها و دیدگاه‌ها بر میدان مطالعه تحمیل نشوند و فرصت ظهور از داده‌ها سلب نگردد؛ بنابراین عدم تمایل رویکرد کیفی به بهره‌گیری از نظریه و مفاهیم موجود در تحقیق، ریشه در عنصر پارادایمی تبیین دارد (ایمان، ۱۳۸۸: ۱۷۲)؛ با این چارچوب مفهومی فرصتی برای طرح دیدگاه‌هاست، مشروط به اینکه پژوهشگر آگاه و حساس باشد که دیدگاه‌های نظری در روش کیفی در جایگاه تحمیل به میدان نیستند و بیشتر نقشی هدایت‌گر و الهام‌بخش دارند. با در نظر داشتن این شرایط، طرح مباحث نظری فقر، می‌تواند نقشی هدایت‌گر در تبیین داده‌های ظهوریافته داشته باشد. با در نظر

داشتن این موضوع، دیدگاه‌های طرح شده درباره فقر به چهار دسته تقسیم شده‌اند که بر حسب حساسیت نظری مرور می‌گردند:

۱- **نظریه تبیین فرهنگی فقر:** فقر فرهنگی نظریه‌ای جامعه‌شناختی است که چرخه فقر را توضیح می‌دهد. و ریشه بررسی علمی آن به دهه ۱۹۶۰ بر می‌گردد (گودز و امز، ۱۹۹۶؛ برگیوز^۲، ۲۰۰۱؛ اسمال^۳ و همکاران، ۲۰۱۰). در این دیدگاه، بر اساس فرهنگ جامعه است که ما چگونه نظام نابرابری به ارث رسیده از نیاکان خود را می‌پذیریم. فرهنگ تقریباً شامل توجیهاتی برای نابرابری است؛ یعنی اگر کسی سخت کار کند به موقعیت بهتری می‌رسد. برگر استدلال می‌کند که وجود دو نوع ایدئولوژی به حفظ نابرابری کمک می‌کند: ۱- ایدئولوژی که موقعیت طبقات بالا را مشروع می‌سازد و استدلال می‌کند که این افراد به گونه‌ای برتر یا شایسته‌ترند، با استعدادند، سخت کوشند یا فرهنگ بالاتری دارند و به این دلیل، به جایگاه والای اقتصادی رسیده‌اند. ۲- ایدئولوژی دیگری که فقر را نتیجه گناه یا تنبلی فردی می‌داند و تأکید دارد که رفتار خوب فقرا سرانجام در زندگی پس از مرگ پاداش خواهد داشت و فقر، نتیجه علمکرد فکری و رفتاری خود افراد است (کیویستو^۴، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

۲- **نظریه ساختاری فقر:** فقر گاهی متأثر از شرایط ساختاری جامعه است. در تبیین ساختاری از فقر، فقدان جاه‌طلبی و میل به پیشرفت در میان فقرا که غالباً به معنای وجود فرهنگ وابستگی است، کنار گذاشته می‌شود. نتیجه و محصول اوضاع و شرایط علت فقر آن‌هاست؛ پس برای کاهش فقر نباید در پی تغییر نگرش‌های افراد فقیر بود، بلکه در جامعه باید به سیاست‌ها و اقدامات لازم برای توزیع عادلانه‌تر درآمد، منابع و امکانات توجه شود. چنین رهیافتی به این معناست که فقرا اوضاع و شرایط دشوار خود را منفعلانه می‌پذیرند و این حاصل ساختار است (گیدنز و بردسال، ۱۳۹۱: ۴۵۹). هیلز

1 .Goode, Judith and Edwin Eames
2 .Bourgois
3 .Small
4 .Kivisto

نشان می‌دهد که مقدار زیادی از تحرک کم‌دامنه، مختص کسانی است که در فقر به سر می‌برند (همان: ۴۹۱) که بیشتر در آن عوامل بیرونی از جمله فقدان دسترسی به منابع، فقدان مهارت، نامناسب بودن مکان و تنظیمات سیاسی و اجتماعی، نقش حیاتی دارند (یاهیه^۱، ۱۹۹۳).

۳- **نظریه بوم‌شناسی فقر:** نظریه‌های بوم‌شناسی در چهار شاخه عمده اکولوژی جمعیت، شهری، فرهنگی و سیستم‌ها قرار می‌گیرند. نظریه بوم‌شناسی فقر تأکید دارد که دو مقوله «فرهنگ» و «محیط» مستقل و منفک از هم نیستند و نوعی رابطه تعاملی بین آن‌ها حاکم و انسان بخشی از طبیعت است. (هاردستی^۲، ۱۹۷۷).

۴- **نظریه داغ ننگ فقر:** داغ ننگ به عنوان برداشتی است که ویژگی‌هایی از جمله احساس شرمساری و خجل بودن منجر به پایین آمدن احساس منزلت اجتماعی می‌شود و نوعی قضاوت است که دیگران یا افراد بیرونی در یک اجتماع درباره دیگران می‌کنند. این داغ، شکلی از تعامل دوطرفه است (بومبرگ و همکاران، ۲۰۱۲). داغ ننگ، منجر به ایجاد تمایز بین گروه‌ها و آنهایی شده و عقاید کلیشه‌ای را تقویت می‌کند. این مسأله ناشی از نابرابری قدرت در روابط اجتماعی است (لینک و فلن^۳، ۲۰۰۱).

پیشینه پژوهش

پیشینه داخلی

تحلیل عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر کاهش فقر روستایی، با تأکید بر فقر غذایی: بخش خلیجستان استان قم

عنوان پژوهشی است که توسط پور طاهری و همکاران (۱۳۹۰) به روش کمی در بین ۲۶۵ خانوار روستایی قم با ابزار پرسش‌نامه انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان

1. Yahie
2. Hardesty
3. Link & Phelan

داد که عوامل اقتصادی در مقایسه با عوامل اجتماعی، نقش بیش‌تری در شکل‌گیری فقر در منطقه مورد مطالعه دارند. مجموع عوامل اقتصادی در تحلیل روابط ۵۴/۵ درصد تغییرات و عوامل اجتماعی نیز در مجموع ۱۴/۵ درصد تغییرات شاخص فقر را توجیه می‌کنند (پور طاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۱).

عباس زاده و نصرالهی وسطی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر فقر از دیدگاه زنان متأهل با تحصیلات عالی به روش کیفی و با رویکرد تئوری داده‌بنیاد پرداختند. روش نمونه‌گیری به صورت قضاوتی هدفمند و تا حد اشباع نظری و مورد مطالعه پژوهش، دانشجویان دکتری زن ساکن خوابگاه‌های متأهلی دانشگاه تهران بوده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که عدم اشتغال به مشاغل تخصصی، نداشتن درآمد کافی، عدم استخدام توسط سازمان‌های دولتی، نداشتن سیاست‌های مشخص برای اشتغال افراد تحصیل کرده از سوی مسئولان کشور، بالا بودن هزینه‌های زندگی، نبود فرصت‌های شغلی مناسب برای افراد تحصیل کرده، وجود رانت در سازمان‌های دولتی در زمینه استخدام، مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های فقر بوده است. طبق یافته‌های این پژوهش، برجسته‌ترین علل فقر، عوامل اقتصادی و مدیریتی بوده است (عباس زاده و نصرالهی وسطی، ۱۳۹۷: ۷).

پیشینه خارجی

اسرول و احمد^۱ (۲۰۱۸) به تحلیل عوامل مؤثر بر فقر در کشور اندونزی پرداختند. آنها بر این مسأله تأکید دارند که موفقیت در توسعه اقتصادی توسط دولت، یکی از پارامترهایی است که سطح فقر را توصیف می‌کند. به طوری که سطح بالای فقر در جامعه نشان می‌دهد که برنامه‌های توسعه دولت، به ویژه کاهش فقر، مناسب نبوده است. داده‌های مورد استفاده در این تحقیق شامل داده‌های مرتبط با فقر در سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۴ است. نتایج نشان داد که بیشترین میزان عوامل مرتبط با فقر شامل تولید ناخالص داخلی، مدت تحصیل، امید به زندگی و هزینه‌های زیرساخت دولتند. این یافته نشان

می‌دهد که با بهبود کیفیت رشد اقتصادی برای کل جامعه می‌توان فقر را کاهش داد. دیگر عوامل شامل هزینه‌های بودجه‌ی ملی مربوط به افزایش هزینه‌های زیرساخت‌ها و بهبود برنامه‌های تنظیم خانواده و ارائه‌ی درمانی رایگان است.

بلسینگ و نورهاشارینا^۱ (۲۰۲۰) به بررسی مشخصات و ویژگی‌های فقر و پیامدهای آن در تحلیل فقر پرداختند. در این تحقیق از داده‌های ثانویه همراه با برخی داده‌های اولیه استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که فقر به طور مشخص زبان خاص خود را دارد و پدیده‌ای چندبعدی، پیچیده، متن‌محور و مطلق یا نسبی است. فقر ویژگی‌های خاصی دارد که باید در تحلیل پیامدهای آن مورد توجه قرار گیرد.

سالم و بیات^۲ (۲۰۱۸) با استفاده از رویکردی چندبعدی، به بررسی عوامل مؤثر بر فقر به عنوان یکی از مشکلات اقتصادی اجتماعی در ایران پرداختند؛ برای این کار از یک مدل در سطح فردی (مشخصات فردی) و سطح کلان (ویژگی‌های اقتصادی و سازمانی) استفاده شد. داده‌های مربوط به بودجه‌ی خانوارهای استانی از مرکز آمار ایران و حساب‌های منطقه‌ای - ملی سال ۲۰۱۴ به دست آمدند. مقایسه‌ی تأثیرات فردی و نهادی در فرآیند تحلیل نشان داد که این مدل می‌تواند از نظر تجربی مشخص کند که کدام یک از این دو سطح، بیشترین تأثیر را در احتمال وقوع فقر در خانواده‌های فقیر دارد. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که هیچ یک از متغیرهای نهادی و سطح کلان بر وقوع یا ریشه‌کنی فقر تأثیر نمی‌گذارد و در این میان، اکثر متغیرهای سطح فردی، از جمله تعداد اعضای خانواده، وضعیت شغلی، سن و سطح تحصیلات خانواده به شدت و به طور قابل توجهی با احتمال وقوع فقر در یک خانوار مرتبط‌اند.

پژوهش‌های مرتبط با فقر شهری در چند بعد به انجام رسیده‌اند، برخی از آن‌ها بر تفاوت‌های فقر شهری و روستایی متمرکز شده‌اند (نصرت آبادی و دیگران، ۱۳۹۰؛ خالدی و پرمه، ۱۳۸۴). برخی دیگر بر نسبت فقر و توسعه تمرکز کرده‌اند (راغفر و ابراهیمی، ۱۳۹۰) و در بسیاری از پژوهش‌های دیگر محلات و مناطق حاشیه‌نشین، به

1 . Blessing & Noor Hasharina

2 . Salem & Bayat

عنوان نماد و تجلی فقر شهری معرفی شده است. در این تحقیقات فقرا و ساکنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی به مثابه حاشیه‌نشین، یک معضل و نه یک راه حل و آپاندیست شهری (نقدی و زارع، ۱۳۹۱) و ایجادکننده ناامنی و چالش برای توسعه پایدار شهری (عامری و سیاهویی، ۱۳۸۹) به شمار می‌روند. سهم مطالعات تطبیقی در سطح بین‌المللی قابل توجه است: راولیون و چن^۱ (۲۰۰۷) در تحقیقی فقر مطلق را در مناطق شهری با استفاده از سربهای زمانی ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۴ برای صد کشور در حال توسعه برآورد کردند. اریف و فاروک^۲ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «کاهش فقر در پاکستان: درسهایی از تجربه چین» به بررسی موفقیت دولت چین و ناکامی دولت پاکستان در زمینه کاهش فقر پرداخته‌اند.

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش کنونی از روش نظریه داده‌بنیاد^۳ به عنوان یکی از روش‌های مهم در پژوهش کیفی استفاده شده است. نظریه داده‌بنیاد، طرح پژوهش کیفی است که محقق بر اساس آن اقدام به تولید یک تبیین عام (نظریه) از یک فرایند، کنش یا تعامل می‌کند که بر اساس دیدگاه شماری از مشارکت‌کنندگان شکل می‌گیرد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۴). در این روش جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، همزمان انجام می‌شود، و گردآوری داده‌ها همراه با تحلیل تا جایی که به مرحله اشباع برسد، ادامه می‌یابد. تجزیه و تحلیل فرآیندی است که با جمع‌آوری اولین قسمت داده‌ها شروع می‌شود و ترسیم بستر جزء اساسی آن به شمار می‌رود. در این فرایند، داده‌ها به کوچک‌ترین اجزاء ممکن (مفاهیم) شکسته می‌شوند. داده‌های جدید همزمان با تمام داده‌ها از نظر تفاوت و شباهت مقایسه می‌گردند و مقوله‌سازی با مرور مکرر و ادغام کدهای مشابه انجام می‌گیرد (کوربین و اشتراوس، ۲۰۱۵: ۱۲۷). به طور کلی حرکت به سوی یک نظریه محدود به واقعیت در

-
1. Chen, Shaohua and Martin Ravallion
 2. G. M. Arif and Shujaat Farooq
 3. Grounded Theory

این رویکرد از پنج مرحله کدگذاری باز و تشخیص مفاهیم^۱، توسعه مفاهیم در جهت ابعاد و ویژگی‌ها^۲، تحلیل داده‌ها برای زمینه^۳ وارد نمودن فرایند به تحلیل^۴ و یکپارچه‌سازی مقولات^۵ عبور می‌کند. رویکرد مورد استفاده در این پژوهش، بر مبنای دیدگاه کوربین و اشتراوس ۲۰۱۵ است که نسبت به رویکردهای مطرح در نسخه‌های پیشین تغییراتی در آن اعمال شده است.

مشارکت‌کنندگان: گردآوری داده‌ها در این پژوهش با اتکا به افرادی صورت گرفته که در زمینه موضوع مورد مطالعه یا جنبه‌هایی از آن دارای اطلاعات و شناخت مناسب و نسبتاً کافی باشند. مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر ۴۰ نفر از نسل‌های اول، دوم و سوم افراد ساکن در اندیکا و حمیدیه و مسئولان سابق و کنونی این دو شهر و برخی مسئولان استان خوزستانند. از این ۴۰ نفر، ۲۴ نفر ساکن حمیدیه و ۱۶ نفر ساکن اندیکا هستند.

جدول (۱): مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

ازدواج		تحصیلات			سن			جنس	
متاهل	مجرد	فوق لیسانس و بالاتر	فوق دیپلم و لیسانس	دیپلم و پایین‌تر	بالاتر از ۴۵	۳۱ تا ۴۵	۱۵ تا ۳۰	زن	مرد
۲۹	۱۱	۴	۱۵	۲۱	۲۳	۱۰	۷	۱۸	۲۲

نمونه‌گیری: در پژوهش حاضر برای انتخاب مشارکت‌کنندگان با توجه به ماهیت ظهوریابنده پژوهش کیفی از شیوه نمونه‌گیری هدفمند و با مد نظر قرار دادن روش تحلیل داده‌های کیفی (نظریه زمینه‌ای) در ادامه از شیوه نمونه‌گیری نظری در مورد با پنج مرحله کدگذاری مرسوم استفاده گردید.

جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها: تکنیک اصلی مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها در

1. Open coding: identifying concepts
2. Developing Concepts in Terms of Their Properties and Dimensions
3. Analyzing data for context
4. Bringing Process into the Analysis
5. Integrating categories

پژوهش حاضر مصاحبه عمیق^۱ بوده است. با هر یک از مشارکت‌کنندگان پژوهش مصاحبه‌ای در حدود یک ساعت به انجام رسید. ابتدا از طریق مصاحبه با پنج نفر از مشارکت‌کنندگان، خطوط کلی پرسش‌ها و مفاهیم اولیه شکل گرفتند، سپس در ادامه مجموعه سؤالات به صورت باز طراحی شده و پس از مصاحبه با چهل نفر به اشباع نظری رسید. متن حاصل از پیاده‌سازی این مصاحبه‌ها مواد اصلی پژوهش برای استخراج مفاهیم، مقوله‌ها و پارادایم بوده است.

تحلیل داده‌ها با مدنظر قرار دادن ساختار اصلی تحلیل داده‌ها در رویکرد سیستماتیک نظریه زمینه‌ای بر مبنای سه شیوه کدگذاری باز، محوری و گزینشی^۲ (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸؛ کوربین و اشتراوس، ۲۰۰۸؛ ۲۰۱۵) به انجام رسید. در توضیح این سه شیوه کدگذاری می‌توان گفت در مرحله کدگذاری باز، پژوهش‌گر بیشتر با مفاهیم سرو کار دارد، کانون اصلی کدگذاری محوری مقولاتند و در مرحله کدگذاری گزینشی ارتباط بین مقوله‌ها و به عبارت دیگر قضایا هستند که بروز و ظهور پیدا می‌کنند. در این پژوهش نیز مصاحبه‌ها به صورت سطر به سطر تحلیل و در مرحله کدگذاری باز، کدها و مفاهیم اولیه استخراج و در مرحله کدگذاری محوری، کدهایی که به لحاظ مفهوم و ویژگی‌ها مرتبط بودند به محوریت مقوله‌ای اصلی سازماندهی گردیدند؛ به عبارت دیگر پس از فرایند خرد کردن مصاحبه‌ها به مفاهیم و مقوله‌های فرعی در کدگذاری باز، در مرحله کدگذاری محوری به مرتبط کردن و دسته‌بندی آنها حول محور مقوله‌های اصلی پرداخته شد. کدگذاری گزینشی نیز با استفاده از گزینش مفاهیم و موضوعاتی که در استخراج مقوله اصلی پژوهش مؤثر به نظر می‌رسیدند، دنبال شد. این مرحله از کدگذاری با هدف یکپارچه‌سازی و پالایش داده‌ها برای پدیداری مقوله اصلی، ارائه پارادایم و نظریه به انجام می‌رسد.

1. In – Depth Interview

^۱. اگرچه در نسخ ۲۰۱۵ مبانی پژوهش کیفی کوربین و اشتراوس (۲۰۱۵) مراحل بسط داده شده و به پنج مرحله رسیدند اما کوربین تأکید می‌کند که این پنج مرحله باید در بستر سه مرحله کدگذاری پیشین درک شوند.

یافته‌های پژوهش

مفاهیم مربوط به مرحله‌ی کدگذاری باز و تشخیص مفاهیم در مراحل تحلیل داده‌ها برای مشخص شدن زمینه و فرایند در قالب دوازده مقوله عمده مقوله‌بندی و در مرحله کدگذاری گزینشی به استخراج مقوله هسته «فقر شهری در پیوند با محرومیت از فرصت‌ها در روستا و حاشیه‌ها» منجر شد که مقوله هسته این پژوهش به شمار می‌آید.

جدول (۲) مقولات اصلی و نقش پارادایمی مقولات اصلی

نقش پارادایمی	مقولات اصلی
شرایط	چالش تأمین اعتبار از طریق جذب اعتبارات بخش دولتی و خصوصی
شرایط	ضعف فرهنگ کار و مهارت‌آموزی در میان جوانان
شرایط	ضعف شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران
شرایط	عدم حمایت ویژه از مناطق محروم استان
شرایط	عدم خودباوری جوانان در نتیجه محرومیت
شرایط	توزیع ناعادلانه فرصت‌ها در نتیجه وجود فساد اداری
شرایط	نارضایتی از اعطای تسهیلات و مشکل نقدینگی
شرایط	ضعف سرمایه اجتماعی
استراتژی	کلید اشتغال؛ مهارت‌آموزی همراه با نگاه کارآفرینی
استراتژی	ایجاد و تقویت شهرک‌های صنعتی
استراتژی	جذب اعتبارات ملی و ویژه
استراتژی	شایسته‌سالاری و انتخاب مدیران متخصص، جهادی و اثربخش
استراتژی	ظرفیت‌های اجتماع‌محور، پشتوانه رفع فقر
پیامد	نزاع‌های طایفه‌ای و قومی
پیامد	بی‌قدرتی و بیگانگی اجتماعی
پیامد	کاهش سبد کالای مصرفی خانوارها و تورم غذایی
پیامد	احساس یأس اجتماعی
پیامد	فرسایش اعتماد اجتماعی

در ادامه به هریک از این مقوله‌ها و سپس مقوله هسته پرداخته و توضیحاتی دربارهٔ رابطهٔ این مقوله‌ها با مقولهٔ هسته ارائه شده است.

۱- شرایط علی

چالش تأمین اعتبار از طریق جذب اعتبارات بخش دولتی و خصوصی

نخبگان مشارکت‌کننده در پژوهش بر این باورند با توجه به کاهش اعتبارات و منابع مالی، مشکل عمدهٔ طرح‌های عمرانی در دو شهر مورد مطالعه، عدم تخصیص کامل اعتبارات مصوب و نیمه‌تمام ماندن بسیاری از پروژه‌های عمرانی است.

محمد (۵۶ ساله) که از مسئولان شهرستان حمیدیه است در این باره می‌گوید:

« مشکل فقط حمیدیه نیست، ملی است، در حالی که عدم کفایت اعتبارات مصوب سهم متوسطی حدود ۲۷ درصد از کل پروژه‌های ملی مشمول تأخیر را به خود اختصاص داده است، نارسایی در تخصیص اعتبارات با سهم متوسط حدود ۴۰ درصد از کل پروژه‌های ملی مشمول تأخیر، به عنوان مهم‌ترین عامل اعتباری در ایجاد تأخیر در مراحل مختلف پیشرفت پروژه‌های عمرانی ملی محسوب می‌شود».

به باور مشارکت‌کنندگان پژوهش، علت اصلی عدم تخصیص کامل اعتبارات مصوب در بودجه، کاهش درصد تحقق اعتبارات عمرانی است. بر اساس آمار، درصد تحقق اعتبارات عمرانی در ده سال اخیر کاهش یافته و به عنوان مثال در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به ترتیب به ۳۶ و ۵۳ درصد رسیده است، در سال ۱۳۹۴ نیز درصد تحقق اعتبارات عمرانی مجدداً کاهش یافته است. این کاهش در درصد تحقق اعتبارات عمرانی در عمل منجر به کاهش تخصیص اعتبارات طرح‌های عمرانی ملی می‌شود و در نهایت پیشرفت طرح‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد.

از نظر مشارکت‌کنندگان اگرچه توجه کلامی و حضور مسئولان در این دو شهر پیوسته برقرار بوده است و در جلسات و سخنرانی‌های مختلف مسئولان استان بر ضرورت توجه به اندیکا و حمیدیه تأکید کرده‌اند؛ اما محدودیت‌های مالی مانع از تحقق عملی وعده‌ها بوده است.

حسین (۵۲ ساله) که سابقهٔ بیش از دو دهه مدیریت در حوزه‌های مختلف در شهرستان حمیدیه را در کارنامه دارد معتقد است: «با توجه به اینکه حمیدیه در ۲۵ کیلومتری مرکز استان واقع شده و مردم آن همیشه مجبور بودند برای کارهای اداری و برخی فعالیتهای روزمرهٔ خود به اهواز مراجعه کنند، شهرستان شدن حمیدیه می‌توانست هم از تراکم اداری اهواز کم کند و هم مردم شهر مجبور نباشند مسافت و خستگی راه را برای انجام امورات روزمرهٔ خود تحمل کنند».

ضعف فرهنگ کار و مهارت‌آموزی در میان جوانان (ساختمان ذهنی دولت‌گرا)

بر مبنای نظر مشارکت‌کنندگان پژوهش، افزایش جمعیت بویژه میان گروه سنی جوان در دو دههٔ اخیر، فرصت‌ها و چالش‌های فراوانی را پیش روی کشور قرار داده است. و با در نظر داشتن این موضوع، مهم‌ترین چالش و دغدغهٔ فعلی مسئولان و مردم، حل مشکل اشتغال افراد بیکار و غیر فعال است که جمعیت قابل توجهی از افراد جامعه را در برمی‌گیرند و به طور جدی در معرض آسیب‌های اجتماعی و روانی‌اند. بر اساس آمار رسمی، نرخ بیکاری برای سال ۱۳۹۸ در مناطق شهری کشور ۱۳.۲ و در نقاط روستایی ۸.۱ درصد گزارش شده است.^۱

از نظر نخبگان در دو شهر اندیکا و حمیدیه، بخش عمده‌ای از دلیل بیکاری جوانان، به‌ویژه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، نداشتن مهارت شغلی است که ورود آنها را به بازار کار روز به روز سخت‌تر کرده است.

محمد رضا (۴۷ ساله و از مدیران اقتصادی استان خوزستان) در این باره معتقد است: «مسألهٔ بیکاری در کشور و متعاقب آن در خوزستان مسألهٔ تازه‌ای نیست و هر ساله با توجه به افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان، بر تعداد آمار بیکاران اضافه می‌شود. راه حل‌های گوناگونی برای پایان دادن به این بحران اندیشیده شده؛ اما خیل عظیم بیکاران سبب شده که هیچکدام از این راه‌ها به میانبری برای پایان دادن به این معضل اجتماعی ختم نشود. نگاهی به آمار بیکاری در استان خوزستان نشان می‌دهد نرخ بیکاری در استان ۱۴.۵

1. https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1398/1_ch-n-2-98

درصد است که معادل ۲۱۹ هزار نفر جمعیت بیکار است که ۹۴ هزار نفر از آنان، فارغ‌التحصیلان بیکارند. برابر آخرین آمار مرکز آمار ایران، در خوزستان ۲۱۹ هزار نفر جمعیت بیکار وجود دارد که ۸۵ درصد از این جمعیت در نقاط شهری و ۱۴.۹ درصد در مناطق روستایی قرار دارند. ۶۸ درصد از جمعیت بیکاران در خوزستان؛ معادل ۱۴۹ هزار نفر، مرد و ۳۲ درصد یعنی جمعیتی معادل حدود ۷۰ هزار نفر زنند. یک میلیون و ۸۵ هزار مرد و ۲۳۰ هزار نفر زن در خوزستان شاغلند. نرخ بیکاری جوانان در خوزستان ۳۳.۲ درصد و معادل ۷۲ هزار نفر است. نرخ بیکاران دارای تحصیلات دانشگاهی و با سواد استان خوزستان نیز ۴۳.۶ درصد و معادل ۹۴ هزار نفر است.»

اندیکا از این نظر جزو هفت شهر دارای بیشترین جمعیت بیکار خوزستان است. هفت شهرستان آغاچاری، اندیکا، مسجدسلیمان، آبادان، ایذه، اندیمشک و هفتکل در خوزستان بالاترین نرخ بیکاری را دارند؛ عمده تمرکز اشتغال‌زایی باید بر ایجاد اشتغال در این شهرستان‌ها باشد. از نظر نخبگان در اندیکا و حمیدیه غالب آموزش‌ها در مراکز فنی و حرفه‌ای برای کاهش بیکاری ثمری ندارند زیرا برخی از این آموزش‌ها برای کاربردی شدن به سرمایه‌هنگفت و یا به استخدام درآمدن فرد در صنایع بستگی دارد.

از نظر نخبگان و مشارکت‌کنندگان پژوهش در حمیدیه نیز شرایط مشابهی را می‌توان تصور کرد، با این وجود در سال ۱۳۹۹ بالغ بر ۸۷ میلیارد ریال تسهیلات به شهرستان اختصاص یافته که به گفته مسئولان این شهرستان، از این میزان ۸۳ میلیارد و ۳۴۳ میلیون ریال جذب شده است. همچنین در مدت مذکور ۹۶ درصد تسهیلات اشتغال پایدار روستایی جذب شده و برای ۷۶ روستایی و عشایری از محل این تسهیلات، اشتغال‌زایی شده است.

بی توجهی به شایسته‌سالاری در مدیریت شهرستان

از منظر شهروندان مشارکت‌کننده در پژوهش و خبرگان، فقدان شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران، از جمله چالش‌های مهم در بحث عدم ریشه‌کنی فقر است زیرا انتخاب مدیرانی خلاق و دارای روحیه کارآفرینی به تغییر محسوس رویه سازمانی منجر خواهد شد و در نتیجه با بهبود تخصیص منابع و همچنین بهره‌گیری از ظرفیت مردم و بخش

تعاون، می‌توان فرصت‌های شغلی قابل توجه خلق کرد. از نظر مشارکت‌کنندگان حمیدیه و اندیکا استعدادهای و ظرفیت‌های محلی فراوانی برای حرکت در مسیر توسعه دارند اما مدیریت مناسب و کارآزموده‌ای که بتواند ظرفیت‌های بومی را فعال کند وجود ندارد. مشارکت‌کنندگان بر این باورند در دو شهر مورد مطالعه بهره‌گیری مناسبی از نخبگان علمی در ابعاد مدیریتی و مشاوره صورت نمی‌پذیرد و در نتیجه ضعف کارشناسی در امور، بهره‌وری طرح‌ها و برنامه‌ها چندان مناسب نیست.

مشارکت‌کنندگان پژوهش در دو شهر مورد مطالعه، وابستگی جناحی و باندهایی در ادارات را، مانع تحقق اصل شایسته‌سالاری می‌دانند و تغییرات مداوم و پی‌در‌پی مدیریتی آن‌هم با اتکای صرف به عنصر سیاسی را بسیار نامناسب ارزیابی می‌کنند. یارمحمد (۲۷ ساله) از شهروندان اندیکایی در این باره می‌گوید: «امروز مدیر میذارن، فردا برش میذارن. انگار پیراهن عوض می‌کنن. اینقدر راحت برآشون. مردم هم این وسط هیچ به هیچ. کسی نمی‌دونه اینا بدرد می‌خورن یا نه. اگه بی کفایتن چرا می‌ذارید و اگر خوبن چرا برمی‌دارید».

بدین ترتیب می‌توان گفت شایسته‌سالاری از مهم‌ترین شرایط مؤثر بر توسعه است و فقدان آن در دو شهر حمیدیه و اندیکا بر ایجاد فقر مؤثر بوده است.

عدم حمایت ویژه از مناطق محروم استان

بیشتر مشارکت‌کنندگان پژوهش بر این باورند اندیکا و حمیدیه جزو محروم‌ترین مناطق استان خوزستانند و به همین دلیل به حمایت ویژه در مسیر رسیدن به توسعه نیازمندند. حمایت ویژه از نظر این افراد شامل تخصیص اعتبارات عمرانی ویژه، ارائه تسهیلات ویژه و نظارت مستمر و خاص مدیران استان بر نحوه توزیع اعتبارات و پیشرفت فیزیکی طرح‌ها و برنامه‌ها در این دو شهر می‌شود.

محمد که تحصیل‌کرده رشته اقتصاد است و تجربه پژوهش و کار در سازمان مدیریت را دارد. در این زمینه به تصویب‌نامه درباره تعیین مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته در امور حمایتی وزارت امور اقتصادی و دارایی - وزارت صنایع و معادن - وزارت کشور اشاره می‌کند. از نظر نخبگان این دو شهر بدون حمایت ویژه دولت و متولیان استانی

به‌ویژه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، جبران کاستی‌ها در این دو شهر میسر نیست. بر خورداری روستاییان این دو شهرستان از شعله‌های گاز، توجه دولت به مکانیزه کردن صنعت کشاورزی و توسعه فناوری‌های نوین در زیربخش‌های این حوزه، گسترش اراضی تحت پوشش آبیاری نوین، اجرای طرح‌های آبخیزداری در راستای تقویت سفره‌های زیرزمینی، بهبود روند اشتغالزایی، حفظ فرصت‌های شغلی و مهار بیکاری از اقداماتی است که از نظر نخبگان با حمایت ویژه دولت می‌تواند در این دو شهر تحولات عمیقی ایجاد کند.

عدم خودباوری جوانان در نتیجه محرومیت (پذیرش روانی فرهنگ فقر)

برخی از مشارکت‌کنندگان، ریشه عدم خودباوری را در باورهای کلیشه‌ای می‌دانند که نقش تخریب‌کننده اعتماد به نفس را دارند. به باور مشارکت‌کنندگان جوانان مناطق محروم و کمتر برخوردار هم‌چون حمیدیه و اندیکا در مسیر کسب موفقیت‌ها با چالش‌های عمده‌ای مواجهند که ممکن است خودباوری و اعتماد به نفس آن‌ها را متأثر کرده و این احساس را در آن‌ها به وجود می‌آورد که نمی‌توانند هم‌چون جوانان شهرهای برخوردار استعدادهای خود را شکوفا کنند. یکی از مشارکت‌کنندگان با اشاره به رنج و محرومیت به عنوان دو مولفه مهم زندگی در حمیدیه بر این باور است. این عوامل در مسیر شکوفایی شخصیت افراد ایجاد محدودیت می‌کنند و مانع بهره‌گیری فرد از ظرفیت‌ها و استعدادهایشان می‌شود. سبحان بر این باور است که: «خیلی از جوانان ما با وجود اینکه استعداد دارن و می‌تونن تبدیل به سرمایه‌اش کنن راهش رو بلد نیستن. یکی از آشناهای خودمون که هوش زیادی توی کارای ساختمانی داره. باورتون می‌شه که می‌گه نگرانم برم با پیمانکار توی شهرهای بزرگ کار کنم. نگرانم نتونم دستمزدم رو بگیرم».

همچنین فقر باعث ایجاد استرس و هیجاناتی منفی شده که بر ترجیحات زمانی و ریسک‌گریزی فرد اثرگذار است؛ به این معنا که فرد را دارای بینش کوتاه‌مدت و ریسک‌گریز می‌کند. فقر می‌تواند تمایل به ریسک‌پذیری برای چشم‌پوشی از درآمد کنونی به نفع درآمد بالاتر آینده را کاهش دهد. این رفتار ممکن است در تمایل کم به پذیرش فن‌آوری‌های جدید و در سرمایه‌گذاری پایین سلامت و آموزش که می‌تواند درآمد آینده را کاهش دهد، ظهور پیدا کند.

توزیع ناعادلانه فرصت‌ها در نتیجه وجود فساد اداری

مشارکت‌کنندگان پژوهش اذعان دارند یکی از مسائل و مشکلاتی که مانع رفع فقر می‌شود، توزیع ناعادلانه فرصت‌هاست. که یکی از مهم‌ترین نمودهای آن در بحث استخدام و به کارگیری نیروها خود را نشان می‌دهد. ریحانه از شهروندان اهل حمیدیه در این باره می‌گوید: «من آزمون استخدامی دادم، ترازم هم خوب بود اما قبول نشدم. وقتی هم می‌رفتم اداره، برای پیگیری ماجرا، کسی درست حسابی پاسخگو نبود».

مشارکت‌کنندگان معتقدند فساد اداری سبب نفوذ افراد در جریان مصاحبه‌های استخدامی می‌شود و به رفیق‌بازی در ادارات می‌انجامد و این امر حداقل فرصت‌های کسب و کار منصفانه را نیز از میان می‌برد و احساس بی‌عدالتی و ظلم را گسترش می‌دهد. توزیع ناعادلانه فرصت‌ها سبب شده که با وجود بومی بودن بسیاری از مدیران، چنان‌که لازم است. رضایت عمومی‌ای از عملکرد مدیران وجود ندارد یا حداقل با نقطه مطلوب از منظر مشارکت‌کنندگان فاصله دارد.

نارضایتی از میزان حمایت دولت و مشکل نقدینگی در راه‌اندازی بنگاه‌های

کوچک، خانگی و زودبازده

چالش اشتغال نه تنها یکی از مهم‌ترین مسائل روز اجتماعی در کشور ما به شمار می‌آید بلکه با توجه به عنوان رشد جمعیت در دو دهه گذشته می‌توان آن را به عنوان مهم‌ترین چالش اجتماعی و معضل امنیت اقتصادی به حساب آورد. در سال‌های اخیر مسئولان دو شهر حمیدیه و اندیکا، سعی بر حمایت از طرح‌های ابتکاری اشتغالزایی، خانگی و زودبازده برای ایجاد فرصت‌های شغلی داشته‌اند. ذوالفقار از نخبگان اندیکا می‌گوید: «در دوران تصدی؛ یکی از مدیریت‌های این شهر سعی کرده است برای سبک و کوچک کردن بدنه دولت و همچنین برای حل مشکل بیکاری جامعه جوان و برای رونق هرچه بیشتر اقتصاد، مسیر را برای گرایش جوانان به سمت خوداشتغالی و کارآفرینی فراهم سازند؛ اما در مسیر سنگ‌اندازی‌های زیادی شد». در جلسات مدیران در اندیکا و حمیدیه به طور مکرر، مشاغل خانگی و ترویج کارآفرینی در صنایع و کسب و کارهای خرد به عنوان مشاغل کوچک در سطح شهرستان معرفی شده‌اند که از مهم‌ترین راه‌های

اشتغالزایی است. اگرچه مشارکت‌کنندگان پژوهش بر این باورند خوزستان از جمله استان‌هایی است که به دلیل وجود شرکت‌های بزرگی همچون نفت و پتروشیمی و بسیاری از سازمان‌ها و ادارات، بیشتر جوانان علاقه و گرایش به کار و فعالیت در مشاغل دولتی دارند و همین ذهنیت و کمبود سهمیه مشاغل دولتی باعث افزایش بیکاری در جامعه شده است. به همین دلیل یکی از راهکارهای مناسب برای ایجاد اشتغال برای جوانان و کاهش بیکاری ترویج فرهنگ خوداشتغالی و کارآفرینی و استفاده از مشاغل خانگی برای کسب درآمد است.

ضعف سرمایه اجتماعی جوانان در مناطق شهری

مشارکت‌کنندگان این پژوهش بر این باورند در دو شهر حمیدیه و اندیکا، بسیاری از مولفه‌ها و ابعاد مرتبط با مشارکت اجتماعی به علت دولتی بودن به شکل مناسبی صورت نمی‌پذیرد و فضای ذهنی ساکنان به‌ویژه جوانان، متأثر از این وضعیت به دنبال جلب حمایت دولتی است. از نظر نخبگان مشارکت‌کننده در این پژوهش، تمایل به عضویت و مشارکت جوانان در فعالیت‌های اقتصادی گروهی و مبتنی بر خرد جمعی اندک است و ظرفیت‌های مرتبط با کارآفرینی و خوداشتغالی چنان‌که شایسته است فعال نشده است. رستم از فعالان بخش خصوصی اندیکا در این باره می‌گوید: «فرهنگ کار جمعی رو یاد نگرفتیم. من هر وقت یه کار رو گروهی برداشتم، دیدم شریک بودن و با هم کار کردن. کار رو سریع تر جلو می‌بره اما اهمیت این مطلب برا جامعه‌مون روشن نیست».

ج) پیامدها

نزاع‌ها و تنش‌های طایفه‌ای و قومی به عنوان عامل تشدید چرخه فقر

از نظر مشارکت‌کنندگان پژوهش، فقر سبب ایجاد رقابت‌های مبتنی بر خشونت شده و بسیاری از تنش‌های رخ داده در این زمینه، با محوریت قوم‌گرایی و هواداری طایفه‌ای بوده است. بخشی از نزاع‌ها در نتیجه تعارض منافع و عدم عقلانیت محدود روی می‌دهد که متأسفانه گاه ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد.

نزاع دسته‌جمعی، یکی از شاخص‌های مهم وجود خشونت در جامعه تلقی می‌شود که علت آن عمدتاً اختلافات قومی و قبیله‌ای یا عقیدتی و اخلاقی بین جمعی از افراد

است که در آن علاوه بر ضرب و جرح، آسیب‌رسانی و تخریب ممکن است یک یا چند نفر نیز به قتل برسند (سروستانی، ۱۳۸۵: ۱۱۱). نزاع جمعی در حمیدیه و اندیکا به دلیل بافت طایفه‌ای، قومی و عشیره‌ای، متداول است و خسارات مالی، جانی و عاطفی آن چرخه فقر را تشدید می‌کند. این نوع نزاع معمولاً درگیری یا دعوی است که معمولاً با انگیزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در درون یا بین جوامع مختلف به طور محدود یا گسترده یا به صورت مسلحانه یا غیر مسلحانه بین عده‌ای از افراد به وقوع می‌پیوندد که معمولاً به وارد آمدن خساراتی مادی و معنوی منجر می‌شود و سرانجام ممکن است به صورت رسمی یا غیر رسمی و به‌طور نسبی پایان پذیرد و بالتبع خسارت وارده، خود منشأ درگیری‌های دیگر گردد و تا مدت‌ها به اشکال مختلف ادامه یابد.

از نظر مشارکت‌کنندگان پژوهش، از عوامل مهم اجتماعی در نزاع‌های جمعی، اثبات قدرت و رقابت‌های طایفه‌ای است، در این صورت شخص حس می‌کند طایفه نباید از مواضع خود کوتاه بیاید که این مسأله باعث تشدید درگیری می‌شود. تحریک جوانان توسط بزرگان یک قوم، تکیه بر حمایت و پشتیبانی طایفه از مجرم به‌ویژه در پرداخت دیه، تأخیر حضور مأموران نیروی انتظامی در صحنه نزاع، بیسوادی و کم‌سوادی افراد و وجود سلاح گرم و سرد به‌ویژه سلاح‌های گرم غیرمجاز در جامعه را از دیگر عوامل بروز نزاع‌های دسته‌جمعی در استان عنوان کرد.

بی قدرتی و بیگانگی اجتماعی

احساس بی قدرتی و بیگانگی اجتماعی، یکی از پیامدهای فقر گسترش بینوایی در ابعاد مختلف است و طیف وسیعی از انزوا از فامیل و بستگان تا محرومیت‌های اجتماعی را می‌تواند در بر گیرد. از همین منظر مشارکت‌کنندگان پژوهش معتقدند فقر در اندیکا و حمیدیه به علت تداوم و استمرار در دهه‌های اخیر نوعی بیگانگی و احساس بی قدرتی را ایجاد کرده است.

در همین راستا نخبگان اندیکا و حمیدیه بر این باورند که فقر قدرت و توان اثرگذاری اجتماعی را از انسان می‌گیرد و فقیر جرأت دادوستد را از دست می‌دهد و به یک انسان بی‌اراده تبدیل می‌شود که قدرت انجام هیچ کاری را ندارد. صادق (۴۴ ساله)

دبیر مدارس اندیکاست در این باره می‌گوید: «آدم فقیر آدم ناتوان است. چون بضاعت هیچ کاری را ندارد. در روایت آمده است که بی‌نیاز در غربت، وطنی است و نیازمند در وطن، غریب است؛ زیرا انسان بی‌نیاز هر جا باشد، وسایل آسایش برایش فراهم است، ولی فرد نیازمند اگرچه در وطن خود به سر می‌برد، ولی از آنجا که فقیر است باید برای ادامه حیات خود به سوی دیگران دست نیاز دراز کند تا بتواند زندگی خود را تأمین کند».

کاهش کیفیت سبد کالای مصرفی خانوارها و تورم غذایی (فرسایش شاخص قدرت خرید مردم)

مشارکت‌کنندگان پژوهش بر این باورند حفظ سلامت تغذیه‌ای و تأمین امنیت غذایی در سطح دو شهر اندیکا و حمیدیه از نظر شبکه توزیع به کیفیت شهرهای برخوردار استان نیست؛ اما با گسترش چتر فروشگاه‌های زنجیره‌ای توزیع مواد غذایی افزایش قابل توجهی در کیفیت دسترسی فیزیکی به غذا روی داده است. از نظر نخبگان این دو شهر، سطح درآمد مردم تناسبی با گرانی و تورم کنونی ندارد و سبد غذایی این شهروندان از این گرانی متأثر شده است. مشارکت‌کنندگان می‌گویند گرانی آن‌ها را به سمت مصرف کمتر، کم کیفیت‌تر، و نامناسب‌تر از نظر سلامت سوق داده و در نتیجه فرسایش شاخص قدرت خرید رخ داده است. سارا (۵۱ ساله) ساکن اندیکا معتقد است: «قیمت‌ها به‌عنوان مهم‌ترین عامل مؤثر در انتخاب و خرید مواد غذایی افزایش مداومی داشته و دسترسی به مواد غذایی در بازار و محل زندگی را با چالش مواجه کرده است».

این وضعیت نوعی دسترسی ناکافی به غذا، و ناامنی غذایی را برای خانوارهای این شهرستان به دنبال داشته است. از سوی دیگر در صورت تداوم این وضعیت، ناامنی غذایی بیماری‌های متفاوتی را به همراه خواهد داشت. حجت کارشناس بهداشت در این باره می‌گوید: «چرخه ارتباطی بین ناامنی غذایی و بیماری مزمن، زمانی شروع می‌شود که یک فرد یا خانواده نتواند غذای کافی و مواد مغذی مورد نیاز را تأمین کنند. ترکیبی از استرس و تغذیه نامناسب می‌تواند مدیریت بیماری را با چالش بیشتری روبه‌رو کند. زمان و پول مورد نیاز برای پاسخگویی به بحران‌های بهداشتی که در حال افزایش است، بودجه خانوار را کاهش داده و پول کمتری برای تغذیه و مراقبت‌های پزشکی برای خانوارها باقی می‌ماند. این امر باعث می‌شود که چرخه ناامنی غذایی و بیماری ادامه یابد».

از نظر مشارکت‌کنندگان، با توجه به الگوی سبد مصرفی خانوار به‌خصوص خانوارهای کم‌درآمد شهری، افزایش قیمت غذا منجر به آن می‌شود که میزان مصرف مواد غذایی کمتر شده و در وضعیت ناامنی غذا قرار بگیرند. از آنجا که بخش بیشتری از بودجه خانوار صرف تهیه غذا می‌شود و با افزایش قیمت‌ها و عدم افزایش درآمدها، به میزان افزایش قیمت‌ها و تورم، خانوار مجبور است از میزان غذای خانوار کم کند یا اینکه تغییر در اقلام خوراکی سبد مصرفی خود بدهد؛ به‌عنوان مثال حبوبات را جانشین گوشت کند یا سیب‌زمینی را جانشین حبوبات.

احساس یاس اجتماعی

همان‌طور که مشارکت‌کنندگان پژوهش تأکید می‌کنند احساس یأس و ناامیدی از آثار فقر است. یاسمن (۱۹ ساله) معتقد است: «امید به آینده خوب بود توی جامعه‌مون، اما الان کمتر شده، نمی‌گم خیلی زیاد ولی از گرونی و تورم متأثره. امید خیلی برا سلامت جامعه مهمه؛ چون امید بال پرواز فرد به سوی ترقی، بالندگی و شکوفایی است». سایر مشارکت‌کنندگان نیز اذعان دارند فقر و تنگدستی، بیچارگی و درماندگی، زمینه‌ساز یأس و ناامیدی است. ناامیدی اثر شیوع فقر بوده و از سوی دیگر، ناامیدی یکی از عوامل شرک و کفر است.

مشارکت‌کنندگان معتقدند در حمیدیه و اندیکا مردم همواره متأثر از فرهنگ عشایری خود سخت‌کوش و قانع بوده‌اند و مواجهه با بلایای طبیعی در مسیر کوچ و فرم و ساختار زندگی‌شان، آنان را کوشا و امیدوار تربیت کرده اما با افزایش فشارهای اقتصادی و تغییر سبک زندگی، شاهد گسترش ناامیدی و یأس به ویژه در میان برخی جوانانند.

فرسایش اعتماد اجتماعی

مشارکت‌کنندگان اذعان دارند تداوم فقر رابطه حاکمیت و مردم را مخدوش می‌کند؛ به عبارت دیگر فقر زمینه‌ساز بی‌اعتمادی نهادی است و چنانچه سطح اعتماد اجتماعی میان دولت و مردم و دستگاه‌ها و سازمان‌های مسئول از میان برود، جامعه با فروپاشی سرمایه اجتماعی مواجه می‌شود. سرمایه اجتماعی به منزله ریسمانی مستحکم نقش فعال و مهمی در گره خوردن نیازها و عواطف افراد جامعه نسبت به هم دارد. یکی از

مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گویند: «خودم دیدم کسانی رو که قبلاً با اعتقاد تر بودن و الان بعضی چیزا براشون کم اهمیت تر شده».

برخی از مشارکت‌کنندگان پژوهش اذعان دارند با وجود مراجعه مکرر نیازمندان و بیکاران به ادارات و سازمان‌هایی همچون بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی ره، گره از مشکلات آن‌ها باز نشده و مسئولان کمبود اعتبارات یا محدودیت‌های بخشنامه و مقررات را مانع خدمت‌رسانی بهتر عنوان کرده‌اند که سبب کاهش اعتماد مراجعان شده است.

آسیب‌های اجتماعی

از نظر مشارکت‌کنندگان پژوهش، اگر فقر به شکل مداوم در یک خانواده وجود داشته باشد، یکی از اولین و مهم‌ترین زمینه‌های بروز انواع آسیب‌های اجتماعی مهیا شده است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گویند: «کسی که مبتلا به فقر مالی است، آنچنان روح و ذهنش به مسأله تأمین معاش مشغول است که فرصتی برای پرداختن به نیازهای تربیتی و اعتقادی نخواهد داشت». با فقر و محرومیت، بسیاری از استعدادها و ظرفیت‌ها به شکوفایی نمی‌رسند، روابط دوستانه تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد، ارتباطات خویشاوندی رو به ضعف می‌نهد، رسیدن به خوشبختی به صورت یک آرزو در می‌آید و مشکلات اخلاقی سر بر می‌آورد. فقر گوشه‌گیری و احساس تنهایی به ارمغان می‌آورد. تهی‌دستی انسان را به خشم و پرخاشگری می‌کشاند و فرد نادار به دلیل مشاهده تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها، عقده روانی را درون خود جای می‌دهد.

مشارکت‌کنندگان پژوهش اذعان دارند فقر می‌تواند بستری باری تولید و تقویت نزاع‌های قومی و شکل‌گیری خشونت گردد؛ و در نتیجه انواع آسیب‌های فردی و جمعی را ایجاد کند. از سوی دیگر خطر طرد و کم‌اهمیت شمرده شدن فقرا همواره مطرح بوده است. انسان فقیر احساس می‌کند که بی‌لیاقت و بدون جایگاه اجتماعی است و همین باور هویت او را می‌سازد.

استراتژی‌ها (راهکارها)

کلید اشتغال؛ مهارت‌آموزی همراه با نگاه کارآفرینی

بیکاری از مهم‌ترین مشکلات و چالش‌های امروز به شمار می‌رود و برخوردار

نبودن جوانان جویای کار از مهارت را می‌توان از دلایل مشکل بیکاری نام برد که در این راستا آموزش‌های مهارتی بسترساز اشتغال و راهکاری برای رهایی از مشکل بیکاری است. رفع بیکاری در گرو تغییر فرهنگ اشتغال، ترویج آموزش‌های مهارتی و ترغیب جوانان به فراگیری از این آموزش‌هاست و بدون توجه به مهارت و حرفه‌آموزی دستیابی به اشتغال در همه عرصه‌ها با مشکل مواجه می‌شود و در این میان؛ تقویت مهارت آموزش‌های مهارتی، راهکاری مهم برای دستیابی به شغل است که باید بیش از پیش ترویج شود.

رحیم (۵۴ ساله) از مدیران بازنشسته شهرستان اندیکا در این باره می‌گوید: «در کشورهای توسعه‌یافته، توجه به آموزش‌های مهارتی، به عنوان اصلی جدایی‌ناپذیر در پیشرفت کشور مورد توجه قرار گرفته و امروز همه ما اگر دغدغه شغلی برای آینده فرزندانمان را داریم، راهی جز این نیست که آنان را بیش از پیش با اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آشنا کنیم تا به حرفه‌آموزی ترغیب شوند».

از نظر مشارکت‌کنندگان آموزش‌های مهارتی مجموع آموزش‌های نظری و عملی است که با هدف ایجاد مهارت‌های لازم به منظور به فعلیت رساندن استعدادهای نهفته اجرا و مهارت‌آموزان را برای احراز شغل و کسب و کار در مشاغل مختلف آماده می‌کند و توانایی آنان را برای انجام کار و فعالیت در حرفه‌های مختلف افزایش می‌دهد.

ایجاد و تقویت شهرک‌های صنعتی

یه باور برخی از خبرگان مشارکت‌کننده، معضل بیکاری در دو شهر تازه تأسیس اندیکا و حمیدیه (نسبت به سایر شهرهای استان) راهکاری جز توسعه بنگاه‌های کوچک ندارد که آن هم تنها در سایه برنامه‌ریزی و مشارکت‌های مردمی، دولتی و بخش خصوصی ممکن است. مشارکت‌کنندگان، بالا بودن هزینه‌های تولید و تسهیلات بانکی را، از عمده‌ترین مشکلات صنایع کوچک می‌دانند و بر این باورند دولت باید توسعه کسب‌وکارهای مبتنی بر مزیت‌های منطقه‌ای را در اولویت قرار دهد و توسعه اقتصادی پایدار را به عنوان هدف بشناسد. همچنین توجه جدی به واحدهای کوچک و متوسط

صنعتی، می‌تواند تا حد بسیاری معضل بیکاری را از بین ببرد. خدیجه (۳۶ ساله) از فعالان حوزه زنان در این باره می‌گوید: «توی اندیکا چند زن کارآفرین هست که حمایت کافی نمیشن. اگه شهرک صنعتی داشتیم و اعتبارات مرتبط با اون، وضع خیلی فرق می‌کرد».

درخواست توجه مالی ویژه و فوری

مشارکت‌کنندگان پژوهش معتقدند جبران عقب ماندگی‌های اندیکا و حمیدیه، مستلزم تخصیص اعتبارات ویژه برای این دو شهر است. دیدگاه آنان بر این استدلال استوار است که طی دهه‌های اخیر و بعد از استقرار نظام برنامه‌ریزی در ایران، شهرهایی که از نظر زمانی زودتر تشکیل شدند توانستند با جذب تدریجی اعتبارات گام‌های مؤثری در مسیر بهبود کیفیت زیست شهروندان بردارند در حالی که در اندیکا و حمیدیه به علت کم‌توجهی در گذشته و همچنین تأخیر زمانی در اعلام شهر شدن، هنوز کاستی‌های فراوانی وجود دارد. بهمن (۲۹ ساله) از مشارکت‌کنندگان پژوهش تجربه خود را چنین بیان می‌کند: «من مدتی رئیس مدرسه بودم توی اندیکا و می‌دیدم معلم‌ها چقدر از وضع جاده اندیکا شاکی بودن. همه شون می‌گفتن بدترین جاده خوزستانه. حالا سؤال اینه که برای بدترین جاده خوزستان اگر اعتبار فوری ندن و نیارنش بالا، مردم راضی می‌شن».

شایسته‌سالاری و انتخاب مدیران متخصص، جهادی و اثربخش

مشارکت‌کنندگان اذعان دارند انتخاب مدیران شایسته و انتصاب افراد بر مبنای صلاحیت علمی و تجربی می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد کارآفرینی و خلاقیت گردد و با فعال شدن ظرفیت‌های محلی می‌توان به حرکت در مسیر توسعه و رفع فقر امیدوار شد. سهیلا (۴۳ ساله) از نخبگان حمیدیه معتقد است: «یک مدیر بومی و کارآشنا در محیط‌های چندقومی و با شرایط فرهنگی خاص می‌تواند چالش‌ها و فرصت‌های توسعه را بهتر درک کند و در همین راستا باید اهتمام ویژه‌ای در جهت بکارگیری این نیروی انسانی بومی صورت پذیرد».

ظرفیت‌های اجتماع محور، پشتوانه رفع فقر

از نظر مشارکت‌کنندگان پژوهش اندیکا و حمیدیه، به دلیل برخورداری از امکانات طبیعی و خدادادی، ظرفیت‌های بسیار خوبی در زمینه‌های دامداری،

شیلات، کشاورزی و گردشگری دارند که با استقبال سرمایه‌گذاران، شاهد تسهیل و تسریع فرآیند توسعه در آن خواهیم بود. به باور شهروندان مشارکت‌کننده و نخبگان، رونق واقعی نیازمند مشارکت و همدلی تمامی ساکنان و جامعه محلی، فارغ از گوناگونی اقوام و طوایف است و این هدف بدون همراهی جامعه محلی قابل دستیابی نخواهد بود. ترنم از علاقه‌مندان و فعالان گردشگری و بوم‌گردی خوزستان در این باره می‌گوید: «هر دو شهرستان اندیکا و حمیدیه، توان گردشگری و مهمان‌پذیری شون بالاست. گردشگری را می‌توان «صنعت سفید» نام نهاد، زیرا بر خلاف اغلب صنایع تولیدی، بدون آلوده‌سازی محیط زیست انسانی، زمینه‌ساز دوستی و تفاهم بین ملت‌ها و ارمغان‌آورنده صلح و صفا برای مردم است». گردشگری یکی از منابع درآمد و ایجاد اشتغال در سطح ملی است. گردشگری به‌خصوص در زمانی که سود فعالیت‌های دیگر بخش‌های اقتصادی در حال کاهش باشد، جایگزین مناسبی برای آنها و راهبردی برای توسعه است؛ بر این مبنا دلیل اصلی توسعه گردشگری غلبه بر پایین بودن سطح درآمد و ارائه فرصت‌های جدید شغلی و تحولات اجتماعی در جامعه است و می‌تواند امیدهایی را برای کاهش فقر به‌خصوص در نواحی‌ای که دچار رکود اقتصادی شده‌اند، فراهم آورد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در فرآیند برنامه‌ریزی، شناخت، تحلیل امکانات و تنگناها و سطح‌بندی مناطق فقیرنشین شهر اهمیت زیادی دارد. احصای مدل پارادایمی فقر در محروم‌ترین شهرهای استان خوزستان با توجه به چنین ضرورتی صورت پذیرفته است. مقوله هسته ظهوریافته «فقر شهری در پیوند با محرومیت از فرصت‌ها در روستا و حاشیه‌ها»، نشان‌دهنده کانونی‌ترین عنصر پیونددهنده اجزای پارادایم است. این مقوله هسته، نوعی پیوند میان تحولات در روستاها و وضعیت آتی فقر در محلات فقیرنشین شهری و حاشیه‌نشین را نشان می‌دهد؛ دقیقاً منطبق بر دیدگاه تودارو (۱۳۸۲) و هریس و تودارو (۱۹۷۰) که تفاوت دستمزد انتظاری مهاجرت و دستمزد روستایی را سبب گسترش فقر در محلات حاشیه‌نشین شهری می‌دانند.

علاوه بر این تأمل در سایر مقولات ظهوریافته نیز نشان می‌دهد؛ نوعی ساختمان ذهنی دولت‌گرا در میان فقرای شهری شکل گرفته و فراتر از بعد اقتصادی، ابعاد روانی پذیرش فقر، و فرهنگی ضعف فرهنگ کار را نشان می‌دهد؛ درست منطبق بر آنچه اسکار لوئیس در فرهنگ فقر به آن اشاره می‌کند. از نظر اسکار لوئیس (۱۹۷۳) فقر فقط جنبه سلبی ندارد و تنها به معنای محرومیت اقتصادی نیست؛ بلکه فقر شیوه‌ای از تفکر و مجموعه‌ای از هنجارهاست که خصلت سازگارکننده نیز دارد.

در دو شهر محروم مورد مطالعه اندیکا و حمیدیه، بخش قابل توجهی از جمعیت فقیر شهری را روستاییان مهاجر تشکیل می‌دهند که نتوانستند در بخش رسمی اقتصاد شهری ادغام شوند. دیدگاه پورترز و همکاران (۲۰۰۹) درباره امکان تطبیق مهاجران شهری با محیط جدید و بومیان و ساکنان اولیه است، از نظر پورترز تطبیق برای مهاجران در شرایط جدید پس از اسکان در محلات حاشیه‌نشین، بیش از همه به عوامل اقتصادی وابسته است و اگر مهاجران بتوانند دانش فنی و مهارت‌های بالقوه را با تکیه بر منابع انسانی فعلیت بخشند، بخش زیادی از مسیر انطباق را طی کرده‌اند. امکانی که به دلیل مهیا نبودن زیرساخت‌ها و فقدان فرصت‌های کافی در اقتصاد رسمی شهری در حمیدیه و اندیکا مهیا نشده است و در نقد این وضعیت، مشارکت‌کنندگان مفاهیمی را طرح کرده‌اند که به ظهور مقولات: بی توجهی به شایسته‌سالاری در مدیریت شهرستان، عدم حمایت ویژه از مناطق محروم استان، توزیع ناعادلانه فرصت‌ها در نتیجه وجود فساد اداری، نارضایتی از میزان حمایت دولت و مشکل نقدینگی در راه‌اندازی بنگاه‌های کوچک، خانگی و زودبازده منجر شده است. در نتیجه این شرایط و به باور مشارکت‌کنندگان نزاع‌ها و تنش‌های طایفه‌ای و قومی به عنوان عامل تشدید چرخه فقر، بی قدرتی و بیگانگی اجتماعی، کاهش کیفیت سبد کالای مصرفی خانوارها و تورم غذایی (فرسایش شاخص قدرت خرید مردم)، احساس یاس اجتماعی، فرسایش اعتماد اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی ظهور یافته‌اند.



شکل ۱: مدل پارادایمی فقر در مناطق شهری اندیکا و حمیدیه

منابع

- آسایش، حسین (۱۳۷۴) اصول و روشهای برنامه ریزی روستایی، انتشارات پیام نور.
- آسایش، حسین (۱۳۷۷) جغرافیای فقر، سنجش رنج بشر در جهان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۸ و ۴۷.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش‌های پژوهش کمی و کیفی در علوم انسانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحقیقات کیفی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۷). «ارزیابی پارادایمی انسان به عنوان عنصر اساسی در طراحی پارادایم الهی»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۴، شماره: ۵۴، ۴۶-۲۵.
- ایمان، محمدتقی؛ محمدیان، منیژه. (۱۳۸۷). «روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، دوره ۱۴، شماره ۵۶: ۵۴-۳۱.
- پور طاهری، مهدی؛ طالبی، حسین؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۹۰) تحلیل عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر کاهش فقر روستایی با تأکید بر فقر غذایی: بخش خلیجستان استان قم، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره پانزدهم، شماره ۲، صص ۶۱-۸۰.
- تودارو، مایکل (۱۳۸۲). توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه غلامعلی فرجادی. تهران: انتشارات کوهسار.
- خالدی، کوهسار و زورار پرمه (۱۳۸۴). بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴۹.
- راغفر، حسین و زهرا ابراهیمی (۱۳۸۶). فقر در ایران طی سالهای ۸۳-۱۳۶۸، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۴.
- زیاری، کرامت‌ا... (۱۳۷۷). مدل‌های تحلیلی فقر، توزیع درآمد و نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۴۸.
- زیاری، کرامت‌ا... (۱۳۸۱). طرح پژوهشی بررسی تأثیر حضور و عدم حضور افغانه در ساختار اشتغال شهر یزد، طرح پژوهشی چاپ نشده.
- زیاری، کرامت‌ا... (۱۳۸۳). مکتب‌ها و نظریه‌ها و مدل‌های برنامه و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه یزد.

زیاری، کرامت‌آباد... (۱۳۸۹). اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه تهران.
عباس‌زاده، محمد؛ نصرالهی وسطی، لیلا. (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر فقر از دیدگاه زنان متأهل با تحصیلات عالی، فصلنامه‌ی توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۷-۳۶.

عامری سیاهویی، حمیدرضا؛ رستم‌گورانی، ابراهیم؛ بیرانوندزاده، مریم. (۱۳۸۹). سکونتگاه‌های غیررسمی، امنیت و توسعه پایدار شهری، مطالعه موردی: شهر بندرعباس. مجله مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۴، صص ۶۰-۳۷.

کیویستو، پیتر. (۱۳۸۳). اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر

گیدنز، آتوننی؛ بردسال، کارن. (۱۳۹۱). نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر

میری آشتیانی، الهام. (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی در ایران با مقدمه دکتر محمدرضا تاجیک، تهران، نشر فرهنگ، چاپ اول.

نصرت‌آبادی، مهدی؛ عبدالهی، احمد؛ راغفر، حسین؛ صالحی، مسعود. (۱۳۹۰). وضعیت فقر در استان کرمان: ۱۳۸۵-۱۳۶۸. رفاه اجتماعی، ۱۱ (۴۲): ۳۳۶-۳۱۵.

نقدی، اسدالله؛ زارع، صادق. (۱۳۹۰). «الگوی زیست حاشیه، تهدیدی برای توسعه و سلامت شهری»، مطالعات شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، سال ۱، شماره ۱: ۱۴۶-۱۲۵.
نقدی، اسدالله؛ زارع، صادق (۱۳۹۱). «حاشیه‌نشینی به مثابه‌ی آپاندیست شهری»، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۲، شماره ۵: ۸۱-۶۵.

ASROL, Asrol; AHMAD, Hafsa (2018) Analysis of factors that affect poverty in Indonesia, Journal of Espasious, Vol. 39 (Number 45), p:14

Baumberg. B. Bell. K and Gaffney. D (2012). Benefits Stigma in Britain. By. Is available from www.turn2us.org.

Gweshengwe, B., & Noor Hasharina Hassan. (2020). Defining the characteristics of poverty and their implications for poverty analysis. *Cogent Social Sciences*, 6(1) , 1 - 10.

Lewis, O. (1996). "The Culture of Poverty". In G. Gmelch and W. Zenner, eds, *Urban Life*. Waveland Press.

Bourgeois. L. (1931). *Solidarite* (Paris: Armand Colin)

- Bourgois. Phillipe (2001). Culture of Poverty". International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences. Waveland Press.
- Chen, Shaohua and Martin Ravallion(2007), Absolute Poverty Measures for the Developing World(1981-2004), World Bank Policy Research Working Paper 4211.
- G. M. Arif & Shujaat Farooq, 2014. "Rural Poverty Dynamics in Pakistan: Evidence from Three Waves of the Panel Survey," The Pakistan Development Review, Pakistan Institute of Development Economics, vol. 53(2), pages 71-98.
- Goode. Judith and Edwin Eames (1996). "An Anthropological Critique of the Culture of Poverty". In G. Gmelch and W. Zenner. Urban Life. Waveland Press.
- Hardesty. Donald L. (1977). Ecological Anthropology. New York: Jhon wiley Sons
- Link. B. and J. Phelan. (2001). on stigma and its public health implications. Stigma and global health developing a research agenda.Washington. D.C.: National Institutes of Health.
- Ortega, A R., Macgeorge I.(2011) ,"Dsting -off the file: A review of knowledge on urban ornithology in Latin America", Journal of landscape and Urban Planning. 101 (12) 1–10.
- Patton, M (2001). Qualitative Research & Evaluation Methods. London: Sage Publications.
- Salem, Ali Asghar; Bayat, Neda (2018) Factors Influencing Poverty in Iran Using a Multilevel Approach, Journal of Money and Economy Vol. 13, No. 1, pp. 81-106.
- Small M.L. Harding D.J. Lamont M. (2010). "Reconsidering culture and poverty". Annals of the American Academy of Political and Social Science 629 (1): 6–27. Doi: 10.1177/0002716210362077
- Simler, K., Harrower, S., Massingarella, C., (2003). Estimating poverty indices from simple indicator surveys, In conference on Growth, poverty reduction and human development in Africa, Centre for the Study of African Economies, University of Oxford.
- YahieA.M (1993). The Design and Management of Poverty Alleviation Projects in Africa: Evolving Guidelines236
- United Nations Human Settlements Programme (2016). World Cities Report . First published. by (UN-Habitat).

